

خودکشی تکان‌دهنده ۶ عضو یک خانواده

اگر به خودکشی فکر می‌کنید یا فرد در معرض اقدام به خودکشی می‌شناسید با شماره ۱۲۳ تماس بگیرید

فردی که در صحنه حضور داشت در مصاحبه با «اعتماد»: پسر این خانواده قبل از حادثه به پسرخاله‌اش پیام می‌دهد که ما حالمان خوب نیست اگر آمدید در را باز نکردیم، در را بشکنید

بهاره شبانکارئیان | یک منبع آگاه در مورد خبر خودکشی ۶ عضو یک خانواده در مشهد به «اعتماد» می‌گوید: «دختر و پسر که زنده ماندند، فعلاً در کما هستند و در بیمارستان «هاشمی‌نژاد» مشهد بستری شده‌اند.» براساس اخبار منتشرشده دختر خانواده نیز روز گذشته (۳ اسفند ماه) فوت کرده است.

گزارش خودکشی ۵ عضو یک خانواده به پلیس در اول اسفند ماه امسال باعث شد صادق صفری؛ قاضی ویژه قتل عمد مشهد به خانه مذکور (خانه‌ای در خیابان نوزدهم بلوار سلامی) برای پیدا کردن سرنخ‌هایی راهی شود. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که دو دختر جوان به همراه مادرشان روی رختخواب‌های پهن‌شده بر کف پذیرایی جان باخته بودند اما «دختر و پسر جوان» دیگر این خانواده هنوز نفس می‌کشیدند برای همین توسط امدادگران به بیمارستان منتقل شدند. با جست‌وجوهای بیشتر، تیم جنایی به دست نوشته‌ای که روی میز تلویزیون خانه قرار

داشت، برخورد کرد. محتویات دست‌نوشته حاکی از آن بود: «اعضای خانواده در پی ایجاد مزاحمت‌های ناموسی يك مرد پرایدسوار» این اقدام (خودکشی با مصرف زیادی از قرص) را انجام دادند، اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شد چون ۲ روز قبل از این اتفاق تکان‌دهنده، پسر جوان دیگر آنها با همین انگیزه خودکشی کرده بود... این در حالی است که تحقیقات بیشتر با صدور دستور قضایی از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد (ویژه پرونده‌های جنایی) برای ریشه‌یابی این حادثه تلخ و شناسایی مرد پرایدسوار (شخصی که این خانواده در دست‌نوشته‌هایشان اشاره کرده بودند) ادامه دارد. حالا «اعتماد» با پیگیری‌هایی که انجام داده (مصاحبه با فردی که در صحنه حضور داشته و یکی از اهالی) به اطلاعات بیشتری در مورد این خانواده دست پیدا کرده. لازم به ذکر است که «اعتماد» طی تماسی با صادق صفری، قاضی ویژه قتل عمد مشهد و همچنین مسوول روابط عمومی دادگستری مشهد، موفق نشد اطلاعات بیشتری کسب کند و آنها جوابشان فقط در حد همان اخباری بود که در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده است...

صحبت‌های فردی که در صحنه حضور داشت مردی حدوداً ۵۰ ساله از جمله افرادی است که در مواجهه با صحنه حضور داشته. می‌گوید وقتی اقوام آنها در را می‌شکنند تا وارد خانه شوند، صدای گریه اقوام این خانواده باعث می‌شود تا او وارد خانه شود و به قول خودش با آن صحنه وحشتناک روبه‌رو شود. این مرد ۵۰ ساله در مورد جزئیات بیشتر به سوالاتی که از او می‌پرسم، پاسخ می‌دهد.

این خانواده را چقدر می‌شناسید؟
من مغازه‌ام روبه‌روی خانه اینها است. خیلی این خانواده را نمی‌شناسم. فقط روز حادثه وقتی پسرخاله‌شان در خانه آنها را کند تا داخل شود، دیدم صدای گریه می‌آید برای همین من هم رفتم بالا.
چه کسی به پسرخاله یا اقوام آنها اطلاع داده بود که این خانواده خودکشی کردند؟

خودشان. همین پسری که زنده مانده به پسرخاله‌اش «پیامک» زده بود که برادرم خودکشی کرده ما هم حالمان خراب است و دنبال ما بیایید. اگر هم به خانه ما آمدید و ما در را باز نکردیم، در را بشکنید.

شما این اطلاعات را از کجا می‌دانید؟
من کمی امدادرسانی (عملیات احیا) بلد هستم. وقتی برای کمک به خانه آنها رفتم پسرخاله این خانواده با ناراحتی «پیام‌هایی» که از سوی پسرخاله‌اش (پسر این خانواده که در حال حاضر زنده است) دریافت

کرده بود را به من نشان داد.

بچه‌های این خانواده خصوصا دو نفری که زنده مانده‌اند، چند ساله هستند؟

کلا بچه‌های این خانواده بالای ۲۰ سال داشتند. دختر خانواده که دیروز فوت شد حدودا «۱۴ الی ۱۵ ساله» بود و از همه بچه‌ها کوچک‌تر.

به خانه آنها که رفتید و با آن صحنه مواجه شدید، چه کردید؟ چه مواردی را یادتان است که بگویید.

وقتی بالا رفتم پسرخاله آنها گفت؛ فوت کردند. صحنه خیلی وحشتناکی بود... مادر و یکی از دختران این خانواده فوت کرده بودند و نفس نمی‌کشیدند اما وقتی دست دو نفر دیگر (دختر و پسر) خانواده را گرفتم، دیدم دستشان هنوز داغ است. عملیات احیا را بلد هستم با دستم به قفسه سینه آنها شوک دادم و دیدم نفسشان برگشت. بعد هم اقوامشان به اورژانس و پلیس خبر دادند. يك دست‌نوشته هم به تلویزیون زده بودند که پسرخاله‌شان خواند اما چون حریم خصوصی‌شان بود من به خودم اجازه ندادم دست‌نوشته را بخوانم.

خانواده با چه وسیله‌ای این اقدام را انجام دادند؟

والا این مورد را پزشکی قانونی باید اعلام کند، ولی من دیدم «چند ورق قرص» روی زمین افتاده بود که خالی هم بودند.

اعضای خانواده دچار خونریزی نشده بودند؟

نه، از بدنشان خونی جاری نبود. فقط «کف» از دهان‌شان بیرون زده بود.

این حادثه حدودا چه ساعتی رخ داد؟

روز دوشنبه (اول اسفند ماه ۱۴۰۱) حدود ساعت ۹ الی ۱۰ صبح بود که اقوامشان به خانه آنها آمدند.

وضعیت مالی این خانواده چطور بود؟

مستاجر بودند. مشه‌دی هم نبودند. اهل «شاه‌رود» بودند و تقریبا يك سالی میشد که این خانه را اجاره کرده بودند.

می‌گویند دست‌نوشته‌ای که از خانواده مانده مب‌نی بر این بوده که شخصی برای خانواده‌شان مزاحمت ایجاد می‌کرده. آیا از این موضوع چیزی می‌دانید؟

ظاهرا چنین چیزی بوده. می‌گویند شخصی شبها به در خانه‌شان می‌آمده و ایجاد مزاحمت می‌کرده است...

صحبت‌های یکی از کاسبان و اهالی محل

این خانواده در خانه‌ای در خیابان «نوزدهم» بلوار «سلامی» مشهد ساکن بودند. این اطلاعات را اهالی و کاسبان همان محل به «اعتماد» می‌دهند. یکی از اهالی و کاسبان محل که «سوپرمارکت» دارد در مورد

این خانواده به سوالات دیگر پاسخ می‌دهد.
از خانواده‌ای که خودکشی کردند چه می‌دانید؟
دو، سه ماه مانده به شب عید سال گذشته (۱۴۰۰) این خانواده،
خانه‌ای را در این محل (خیابان نوزدهم بلوار سلامی) اجاره کردند.
مادر خانواده به همراه پنج فرزندش (سه دختر و دو پسر) اینجا
زندگی می‌کردند. پدر خانواده نبود. نمی‌دانم فوت شده یا...
هیچ‌کدام از فرزندان این خانواده ازدواج نکرده بودند؟
فکر نمی‌کنم، چون من کسی را با آنها نمی‌دیدم. فقط همین شش نفر در
آن خانه بودند.

یکی از پسران این خانواده زودتر خودکشی کرد. از او چیزی
می‌دانید؟

او تقریباً ۲۰ و هفت، هشت سال داشت. وقتی هم او و برادر دیگرش به
مغازه من می‌آمدند تا خرید کنند همیشه روی کارت بانکی‌شان پوشیده
شده بود.

کارت‌شان را چگونه پوشانده بودند؟

اطلاعات و مشخصات کارت را با برچسب پوشانده بودند.

این خانواده رفت‌وآمد خانوادگی‌شان در چه حد بود؟

رفت‌وآمد خانوادگی اصلاً نداشتند. در این يك سالی که اینجا بودند ما
کسی را ندیدیم که به خانه آنها بیاید.

وضعیت مالی‌شان چطور بود؟

همیشه از من نقد خرید می‌کردند. راستش من مشکل مالی از این
خانواده ندیده بودم. يك ماشین «پژو ۴۰۵» هم داشتند.

نمی‌دانید پسران این خانواده شغل‌شان چه بود؟

یکی از پسران‌شان به من می‌گفت در یکی از بازارهای مشهد مغازه
«لباس‌فروشی» دارند.

می‌گویند این خانواده به دلیل مزاحمت‌های ناموسی که برای‌شان

ایجاد شده بود خودکشی کردند، چیزی می‌دانید؟

از برخی اهالی محل این موضوع را شنیدم اما خودم چیزی به چشم
ندیدم...

(اسامی مصاحبه‌شوندگان نزد روزنامه اعتماد محفوظ است.) «اعتماد
یادآور می‌شود ۱۷ تیر ماه امسال نیز در نجف آباد اصفهان ۵ نفر
از اعضای یک خانواده خود را حلق آویز کردند. آنها نیز دست‌نوشته
ای از خود به‌جا گذاشته بودند که نشان می‌داد این خانواده به دلیل
افسردگی اقدام به خودکشی کرده بودند.»

